

## توثیق خاندانی در علم رجال

□ سید ذبیح‌الله علوی \*

### چکیده

برخی از توثیقات عام، برگرفته از ویژگی‌های خاندان‌هایی است که به وثاقت و یا دیگر خصوصیات اطمینان‌آور، شناخته شده‌اند.

برخی بر اساس عبارات‌های نجاشی در باره خاندان ابو شعبه حَلَبی، وثاقت تمامی افراد آن را نتیجه گرفته‌اند. هرچند توثیق عنوان کَلّی «آل ابو شعبه» یا «خاندان حلبی»، توثیقی عام است؛ از آن جا که در مستندهای آن، از افراد مشخص و معینی نام برده شده، این نظریه، توثیقی خاص به شمار می‌رود.

خاندان رَوَاسی نیز از دیگر خاندان‌های فرهیخته شیعه است. در باره سه تن از افراد این خاندان، توثیق خاص وجود دارد و دیگران، تنها با عبارت «هم أهل بیت الفضل والأدب» مدح شده‌اند. خاندان ابو جهم، با عبارت‌های «بیت کبیر بالکوفه» و «من بیت جلیل»، توصیف شده‌اند که تنها مدح و امامی بودن آنان را می‌رساند.

بر اساس توصیف خاندان ابو نعیم ازدی به «بیت جلیل»، تنها می‌توان مدح و امامی بودن آنان را فهمید.

کلیدواژه‌ها: آل، خاندان، توثیق، ابوشعبه، رواسی، ابوجهم، نعیم ازدی.

## مقدمه

برخی از قواعد توثیق عام، افراد یک خاندان را در بر می‌گیرند. چنین قاعده‌ای، برگرفته از ویژگی‌های خاندانی است که به وثاقت و یا به خصوصیات مثبتی شناخته شده‌اند. این گونه خاندان‌ها، که در دوره‌های بعد، از آن‌ها به عنوان «خاندان روایی» یاد شده است که به وثاقت یا ممدوح بودن، شناخته شده‌اند. اصحاب و رجالیان، بسیاری این خاندان‌ها را معرفی می‌کنند. از آن جمله، علامه بحر العلوم (م ۱۲۱۲ هـ) است که حدود سی خاندان روایی را نام آورده، اعضای آن‌ها را معرفی می‌کند. این گونه قواعد توثیق رجالی، بر اساس شناخت ارتباط‌های خانوادگی بین دسته‌ای از راویان است که همگی، ویژگی وثاقت را دارند، و چه بسا راه مناسبی باشد برای کشف حال بسیاری از دیگر راویانی که از این خاندان‌اند؛ موضوع این مقاله، بررسی برخی از مهم‌ترین خاندان‌هایی است که قاعده توثیق، بر اساس شناخت آن‌ها سامان گرفته است.

بررسی چند واژه مرتبت:

۱- آل: در معنی آل باید دقت شود که شامل چه کسانی می‌شود. تابتوان تشخیص داد گستره این تعبیری که در توثقات خاندانی استفاده شده است چه اندازه ای است.

### کلمه آل در لغت از آل یؤول ای رجعی نوشت

(ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۱۵۹). «أَلُ الرَّجُلِ ذُو قَرَابَتِهِ، وَ أَهْلُ بَيْتِهِ. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸/۳۵۹؛ ابن فارس، همان: ۱۵۹-۱۶۰). « نکته‌ای که از معنای لغوی آل استفاده می‌شود این است کلمه آل شامل فرزندان و نوه‌ها می‌شود ولی نسبت به شمول خود شخص صاحب آل اختلاف است. اگرچه از طرف فرزندان نیز دقیق مشخص نگردیده که تا چه درجه از اقارب او را شامل می‌شود. آیا آل شامل نیره و پایین تر از هم می‌شود؟ ولی آنچه متبادر است از سمت بالا جد و اجداد را در بر نمی‌گیرد.

## ۱- توثیق خاندان ابوشعبه حلبی

خاندان ابوشعبه، از خاندان‌های بزرگ شیعی بوده‌اند. ابوشعبه، خود از اصحاب امام حسن و امام حسین<sup>ع</sup> بوده است. او، دو پسر به نام علی و عمر داشته است. علی چهار فرزند به نام‌های عبید الله، محمد، عمران و عبد الأعلى داشته که همگی از اصحاب امام صادق<sup>علیه السلام</sup> به شمار می‌آیند. یحیی بن عمران از اصحاب امام صادق و امام کاظم<sup>ع</sup>، و نیز احمد بن عمر بن ابی شعبه از اصحاب امام کاظم و امام رضا<sup>ع</sup>، دیگر افراد شناخته‌شده این خاندان هستند. (بروجردی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۲۱۴). از شرح حال رجالی برخی از افراد این خاندان، در منابع این رجال سخن گفته‌اند. نجاشی در شرح حال احمد بن عمر بن ابی شعبه می‌نویسد:

«أحمد بن عمر بن ابی شعبه الحلبي ثقة، روى عن أبی الحسن الرضا<sup>علیه السلام</sup> وعن أبیه من قبل، وهو ابن عمّ عبید الله وعبد الأعلى وعمران ومحمد الحلبيين. روى أبوهم عن أبی عبد الله<sup>علیه السلام</sup>، وكانوا ثقات.» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۹۸). در شرح حال عبید الله بن علی بن ابی شعبه نیز از زبان نجاشی، چنین می‌خوانیم:

«مولى بنی تیم اللات بن ثعلبة أبو علی، كوفی، يتجر هو وأبوه وإخوته إلى حلب، فغلب عليهم النسبة إلى حلب. وآل أبی شعبه بالكوفة بيت مذکور من أصحابنا، وروى جدهم أبو شعبه عن الحسن والحسين<sup>ع</sup>، وكانوا جميعهم ثقات مرجوعاً إلى ما يقولون. وكان عبید الله كبيرهم ووجههم ...» (همان: ۲۳۰). برقی نیز در باره عبید الله بن علی می‌نویسد:

عبید الله بن علی الحلبي عمّ یحیی بن عمران الحلبي كوفی وكان متجره إلى حلب، فغلب عليه هذا اللقب، مولى ثقة صحيح ...» (برقی، ۱۳۸۳: ۲۳) نجاشی در باره محمد، دیگر پسر علی بن ابی شعبه، می‌آورد:

محمد بن علی بن ابی شعبه الحلبي أبو جعفر، وجه أصحابنا وفقیهم. والثقة الذي لا يطعن عليه هو وإخوته عبید الله وعمران وعبد الأعلى.»

او در باره یحیی بن عمران بن علی بن ابی شعبه هم، چنین شرح حالی می‌آورد:

یحیی بن عمران بن علی بن ابی شعبة الحلبي روی عن ابی عبد الله وأبی الحسن، ثقة ثقة، صحيح الحديث.» (نجاشی، همان: ۴۴۴). روی هم رفته، نجاشی در کتاب خود، سه بار، توثیق چهار فرزند علی بن ابی شعبة؛ یعنی عبید الله، محمد، عبد الأعلى و عمران را یکجا آورده است. توثیق احمد بن عمر و یحیی بن عمران را جداگانه در شرح حال خودشان ذکر کرده است. از مجموع سخنان او و دیگر رجالیان، چنین بر می آید که عبید الله و محمّد، پسران علی بن ابی شعبة و یحیی بن عمران، در نهایت وثاقت و جلالت اند. گروهی با استناد به عبارت های نجاشی در شرح حال احمد بن عمر و عبید الله بن علی؛ به ویژه دو تعبیر «کانوا ثقات» و «کانوا جمیعهم ثقات»، توثیق دیگر افراد این خاندان را نیز نتیجه گرفته اند و به استناد آن، به وثاقت ابو شعبة، علی بن ابی شعبة و عمر بن ابی شعبة، حکم کرده اند. از آن جمله اند: علامه حلّی، ابن داوود، شهید ثانی، وحید بهبهانی، میرزا محمّد استرآبادی، سید بحر العلوم، (بروجردی، همان: ۱ / ۲۱۸). تفرشی، (تفرشی، ۱۴۱۸: ۳ / ۳۴۹) آیت الله خوئی. (بروجردی، همان: ۲۱ / ۱۸۴). نقد و بررسی

همان طور که برخی اشاره کرده اند، عبارات نجاشی مجمل است (تفرشی، همان). و احتمالات گونه گونی در آن ها می رود. در عبارت «کانوا ثقات» که در شرح حال احمد بن عمر گفته، این احتمال وجود دارد که ضمیر جمع، به برادران چهارگانه بر گردد و تنها وثاقت آن ها را نشان دهد؛ چنان که ظاهر ضمیر در «أبوهم» و «کانوا» نیز همین را نشان می دهد وگرنه، لازم بود ضمیرها به گونه ای از یکدیگر تفکیک شوند. همچنین، احتمال دارد که ضمیر جمع، به برادران چهارگانه و پدرشان بر گردد؛ زیرا نام او قبل از توثیق، آمده است و اگر در جمع آنان داخل نبود، باید بعد از توثیق می آمد. این احتمال، قوی تر است. افزون بر این ها، احتمال دخول عموی آنان، عمر بن ابی شعبة، نیز در این جمع وجود دارد؛ زیرا در یادکرد پسرش احمد، به صورت تبعی، از او هم یاد شده است. احتمال دیگر این که، احمد بن عمر را ملحق به جمع برادران چهارگانه بدانیم و آن گاه، پدر او را نیز به گونه تغلیبی یا تعمیمی، از مصادیق «أبوهم» به شمار آوریم. البته این احتمال، بعید است.

در باره عبارت «کانوا جمیعهم ثقات» نیز چندین احتمال وجود دارد. ممکن است ضمیر

جمع، به راویانی بر گردد که در ابتدای شرح حال آمده‌اند؛ یعنی عبید الله بن علی، پدر و برادرانش. با پذیرش این احتمال، تنها علی بن ابی‌شعبه، مشمول توثیق می‌شود و ابو‌شعبه و پسرش عمر، توثیق نخواهند شد. نیز ممکن است ضمیر جمع، به تمامی کسانی بر گردد که پیش از آن، یاد شده‌اند. در این صورت، توثیق، ابو‌شعبه و پسرش علی را در بر می‌گیرد و عمر بن ابی‌شعبه در گستره توثیق نیست. ممکن است ضمیر به «آل ابی‌شعبه» بر گردد که در این صورت، ابو‌شعبه خود، در دایره توثیق نیست. اگر منظور از «آل»، مطلق فرزندان و اولاد باشد، علی، عمر و فرزندان آن‌ها توثیق می‌شوند؛ ولی اگر مراد از «آل»، تنها نوادگان باشد، دیگر حتی وثاقت پسران ابو‌شعبه - علی و عمر - هم از این عبارت به دست نخواهد آمد. ممکن است ضمیر به «آل ابی‌شعبه» و «جدّهم» بر گردد و توثیق، شامل ابو‌شعبه، علی و عمر و فرزندان آن‌ها شود. چنین احتمالی قوی‌تر است. (بحر العلوم، ۱/ ۲۲۰). بنا بر این، توثیق علی بن ابی‌شعبه، در هر دو عبارت آمده است و توثیق پدرش ابو‌شعبه و برادرش عمر، تنها از عبارت دوم به دست خواهد آمد.

هرچند توثیق عنوان کلی «آل ابی‌شعبه»، یا تمامی کسانی که از «خاندان حلبی» شناخته می‌شوند، توثیقی عام به نظر می‌آید؛ اما با توجه به این که در مستندهای این توثیق، از افراد مشخص و معینی یاد شده، این نظریه، در شمار توثیق‌های خاص است.

## ۲- توثیق خاندان روّاسی (ابو ساره)

خاندان روّاسی نیز از دیگر خاندان‌های فرهیخته شیعه است. از افراد شناخته‌شده این خاندان، چنین می‌توان نام برد: حسن بن ابی‌ساره و پسرش محمّد بن حسن - که هر دو، از اصحاب امام باقر و امام صادق ع بوده‌اند، برادر حسن؛ یعنی مسلم بن ابی‌ساره، و پسرانش عمرو و معاذ - ملقب به هزّاء (فراء)، از اصحاب امام صادق م، و پسر معاذ، حسین. نجاشی در شرح حال محمّد بن حسن بن ابی‌ساره، می‌نویسد:

أبو جعفر، مولى الأنصار يعرف بالرواسي، أصله كوفي، سكن هو وأبوه قبله النيل. روى هو وأبوه عن أبي جعفر وأبي عبد الله. وابن عمّ محمد بن الحسن معاذ بن مسلم بن أبي سارة، وهم أهل بيت فضل وأدب وعلى معاذ ومحمد فقه الكسائي علم العرب، والكسائي والفرّاء يحكون في كتبهم كثيراً قال أبو جعفر الرواسي ومحمد بن الحسن. وهم ثقات لا يطعن عليهم بشيء.» (نجاشي، همان: ۳۲۴). شيخ حرّ عاملی از این سخن، وثاقت خاندان رواسی را برداشت کرده و بر این اساس مسلم بن ابی ساره را ثقه دانسته است، (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰/۴۹۲). وی این قول را به نجاشی و علامه حلّی نیز نسبت می‌دهد. حال آن‌که نجاشی مستقلاً نامی از مسلم نبرده است. (بحر العلوم، همان: ۲۸۱). نراقی، (نراقی، ۱۴۲۲: ۲۱۸). میرزا محمد استرآبادی و تفریسی (تفرسی، ۱۴۱۸: ۴/۳۷۲). نیز از عبارت نجاشی، برداشتی همانند شیخ حرّ دارند. ۳ از عبارات مرحوم آیت الله خوئی در مقدمه معجم الرجال هم، چنین به بر می‌آید که تمامی خاندان رواسی را ثقه می‌داند. ۴ با این حال، در شرح حال مسلم بن ابی ساره، عبارت نجاشی را شامل او نمی‌شمارد (خویی، بی تا: ۱۹/۱۶۲).

### بررسی و ارزیابی نظریه

در این سخن، افزون بر محمد بن حسن بن ابی ساره و پدرش، به روشنی از معاذ بن مسلم نیز یاد شده است و عبارت «هُم ثِقَاتٌ لَا يَطْعَنُ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ»، آن‌ها را در بر می‌گیرد و به نظر می‌رسد که ویژه همین سه نفر هم باشد. اما از دیگر افراد این خاندان - مانند عمرو بن مسلم و حسین بن معاذ، سخنی در میان نیست و نام مسلم بن ابی ساره نیز تنها برای بیان نسب معاذ آمده است. البته عبارت «هم أهل بيت الفضل والأدب»، مدح تمامی افراد این خاندان را می‌رساند (رحمان ستایش، بی تا: ۱۴۱).

### ۳- توثیق خاندان ابو جهم

یکی دیگر از خاندان‌های شیعی، خاندان ابو جهم؛ یعنی فرزندان قابوس بن نعمان بن منذر

است. ابو الحسین سعید بن ابی جهم، حسین بن سعید و منذر بن سعید، محمد بن منذر بن سعید، منذر بن محمد بن منذر، از افراد این خاندان هستند.

نجاشی در شرح حال سعید بن ابی جهم می‌نویسد:

سعید بن ابی الجهم القابوسی اللخمی أبو الحسین من وُلد قابوس بن النعمان بن المنذر. كان سعید ثقة فی حدیثه، وجهاً بالكوفة، وآل أبی الجهم بیت كبير بالكوفة روى عن أبان بن تغلب فأكثر عنه. وروى عن أبی عبد الله وأبی الحسن ع. (نجاشی، همان: ۱۷۹). و در باره منذر بن محمد بن منذر بن سعید می‌گوید:

منذر بن محمد بن المنذر بن سعید بن ابی الجهم القابوسی أبو القاسم، من وُلد قابوس بن النعمان بن المنذر ناقله إلى الكوفة، ثقة، من أصحابنا، من بیت جلیل. (همان: ۴۱۸). بر اساس این شرح حال‌ها، برخی معتقدند همین که کسی در شمار خاندان ابو جهم بوده باشد، نشانه وثاقت و مدح او است. (رحمان ستایش، همان: ۱۴۱) بررسی و ارزیابی نظریه روشن است که از عبارات «بیت كبير بالكوفة» و «من بیت جلیل»، چنین برداشتی شده است. به نظر می‌رسد که این عبارت‌ها، تنها نشانه مدح این خاندان و امامی مذهب بودن آنان باشد و وثاقت را نشان ندهد.

#### ۴- توثیق خاندان نعیم اُردی

افراد شناخته‌شده این خاندان شیعی، عبارت‌اند از: عبد الرحمان بن نعیم، دخترش غنیمه، پسرانش محمد، شدید و عبد السلام و نوادگان او بکر بن محمد، موسی بن عبد السلام، مثنی بن عبد السلام و جعفر بن مثنی.

نجاشی در شرح حال بکر بن محمد بن عبد الرحمان بن نعیم، می‌نویسد:

بکر بن محمد بن عبد الرحمان بن نعیم الأردی الغامدی أبو محمد، وجه فی هذه الطائفة من بیت جلیل بالكوفة من آل نعیم الغامدیین، عمومته شدید و عبد السلام، وابن عمه موسی بن عبد السلام، وهم كثیرون، وعمته غنیمه روت أيضاً عن أبی عبد الله ع، وأبی الحسن ع، ذكر ذلك أصحاب الرجال، وكان ثقة، وعمر عمراً طویلاً (نجاشی، همان: ۱۰۸). و در شرح

حال جعفر بن مثنیٰ بن عبد السلام، چنین می‌نگارد:

جعفر بن المثنیٰ بن عبد السلام بن عبد الرحمان بن نعیم الأزدی العطار ثقة، من وجوه أصحابنا الکوفیین ومن بیت آل نعیم. «همان: ۱۲۱). بر این اساس، برخی از عالمان رجالی بر این گمان اند که از خاندان ابو نعیم بودن، نشانه وثاقت و مدح است (مازندرانی، ۱۴۱۶: ۱/۱۰۳).

بررسی و ارزیابی نظریه: به نظر می‌رسد که عبارت «من بیت جلیل»، تنها مدح خاندان ابو نعیم و امامی بودن این خاندان را برساند.

## نتیجه

در نتیجه که از این تحقیق بدست می‌آید این است که توثق جمعی در مورد آل ابی شعبه احتمال دارد بنابراین که ضمیر به آل برگردد. اما در مورد دیگر خاندانها از بیان نجاشی فقط مدح ان خاندان و شیعه بودن آنها استفاده می‌شود که اگر کسی از آن خاندان بوده ممدوح و شیعه است. اما دلالت بر وثاقت آنها ندارد.

## کتابنامه

- ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، ۶ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۴ق.
- برقی، ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد، رجال البرقی - الطبقات، در یک جلد، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳ق.
- بروجردی، سید مهدی بحر العلوم، الفوائد الرجالية (للسید بحر العلوم)، ۴ جلد، مكتبة الصادق، تهران - ایران، اول، ۱۴۰۵ق.
- تفرشی، سید مصطفی بن حسین حسینی، نقد الرجال، ۵ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ق.
- خویی، سید ابو القاسم موسوی، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، بی تا. رحمان ستایش، محمد کاظم (مؤلف)، طباطبایی، سید کاظم (با همکاری)، توثیقات عام و خاص. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۸ جلد، نشر هجرت، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰ هـ ق.
- الفوائد الرجالية (للسید بحر العلوم).
- مازندرانی، محمد بن اسماعیل حائری، منتهی المقال فی أحوال الرجال، ۷ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ق.
- نجاشی، ابو الحسن، احمد بن علی، رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشيعة، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۰۷ق.
- نراقی، میرزا ابو القاسم بن محمد بن احمد، شعب المقال فی درجات الرجال، در یک جلد، کنگره بزرگداشت نراقی رحمته الله، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۲ق.



